



ششمین ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵ ۱۷ دی‌هفده ۱۴۴۷



سرویس گفت‌وگو، ۶۰۰۰۸۵۳۳

**گفت‌وگوی «جوان» با صالح علی یاری، معلم مبتکر سامن همدان**

# کاری کارستان در کلاس «سامن»

**روایتی کوتاه از باز آفرینی بانشاط یک کلاس فرسوده در فضای انگیزه و درک متقابل معلم، اولیا و دانش آموزان**

**باز آفرینی مدرسه استاد شهریار روستای کی کیان سامن ملایر نمونه‌ای روشن از قدرت همدلی و منتظر بیرون از خود نماندن برای ایجاد تحول است**



قبل: کلاس‌های فرسوده با در و دیوارها و نیمکت‌های غمگین که هیچ تناسبی با مختصات دنیای کودکان ندارند و آنها را از کلاس و مدرسه دلزده می‌کنند و فراری می‌دهند، چرا سیاستگذاران ما تا این حد نسبت به تأثیر نشاط فضای آموزشی در یادگیری کودکان بی‌اعتنا هستند؟

■ **حسن فرامرزی**

بعد از اینکه یکی از معلمان، تصاویر قبل و بعد بازسازی یک کلاس در شهر «سامن» را بر ایتم فرستاد و نوشت که این زی‌ببازسازی به ابتکار معلم همان کلاس اتفاق افتاده با صالح علی یاری، معلم ۳۱ساله سامن ملایر در استان همدان که از ۲۳سالگی کارش را در پایه پنجم مقطع ابتدایی آغاز کرده است، تماس گرفتم. معلمان ما وسط این همه گرفتاری و معیشتت ناهموار، همواره چیزی در آستین خود دارند که با آن ما را غافلگیر کنند؛ افرادی که نام آنها به راحتی در میان آدم‌های عادی نوشته می‌شود اما در سکوت و گمنامی کارهای کارستان می‌کنند، حتی اگر وسط روزمرگی و سیاست‌بازی و بازی‌های صدرنگ روزگار اسم و رسمی نیابد.



کلاس در حال بازسازی و نووار شدن، باور دنی نیست که این حجم از تغییرات فقط با صرف هزینه چندمیلیون تومانی ایجاد شده باشد، گرچه سرمایه اصلی در ایجاد حلقه‌های همدلی است.



همان کلاس بعد از آنکه با مشارکت و هدایت معلم، اولیا، کادر مدرسه و دانش آموزان سروشکلی زیبا و زنده به خود گرفته است.

روزنامه‌دبوی‌های رنگ و رو رفته پنج سال پیش همچنان باقی بود و در چرک تم روی سقف و دیوارها منظره واقعا غیرقابل تجملی درست کرده بود. تازه این کلاس به نسبت سایر کلاس‌ها وضعیت بهتری داشت، با این همه فضای برای من سنگین بود.

**این اتفاقات در سامن ملایر می‌افتد؟**

بله، این مدرسه در سامن بود و تازه در قیاس با روستاهای اطراف خود به نسبت وضعیت بهتری داشت اما واقعا برایم سؤال بود که چرا فضای مدارس ما باید اینطور باشد، ما همان سال کار را شروع کردیم، به جای خاصی هم مراجعه نکردیم.

**نامه‌نگاری و…**

نه اصلاً موضوع را به خانواده‌ها گفتم، آنها استقلال و حمایت کردند و گفتند مشکلی با تأمین هزینه‌ها ندارند، البته با یک خیر صحبت کردیم که هزینه خرید دیواره کلاس را متقبل شدند، توضیح دادیم که می‌خواهی در درس علوم یا ریاضی است، که در ک آن بپون ارائه توضیحات تصویری بسیار مشکل است، بنابراین ما به ارائه نیاز داریم که دیدگاهی که در این باره تولید شده‌اند به دانش آموز نشان دهیم، توضیح دادیم که دانش آموز در سنی است که هنوز تجسم فضایی و هوش انتزاعی او شکل نگرفته، بنابراین نمی‌توانیم با خواندن یک متن انتظار داشته باشیم او به درک روشنی از متن یا محتوا برسد، اولیا و آن فرد خیر استقبال و حمایت کردند، ما اواخر آذرماه بازسازی کلاس را شروع کردیم.

**پس کلاس چطور بر گزار می‌شد؟**

بازسازی کلاس خارج از ساعات در‌س بوده البته سه، چهار روز به‌خاطر بوی رنگ، کلاس را به نمازخانه منتقل داریم هم، تا ساعت یک در مدرسه بودیم، ساعت ۳برمی‌گشتم مدرسه و سه، چهار ساعت کاری می‌کردیم، تعدادی از خانواده‌ها هم با جدیت به کمک‌مان آمدند و شروع کردیم به بر‌سازی، بتونه کاری و رنگ کلاس.

**کار چقدر طول کشید؟**

حدود یک هفته، یادم نمی‌دود قبل از بدای سال ۱۳۹۶ بود، واقعا هوا سرد بود و من شدیداً سرما خوردم، طوری که در بیمارستان بستری شدم اما بدون تعارف می‌گویم اولین روزی که ما بر گشتمیم سر کلاس و جشن شنبی بلند را با همکاری خانواده‌ها در کلاسی که حالا خیلی بی‌موقع شده بود برگزار کردیم، وقتی ذوق چچه‌ها را که وارد کلاس می‌شدند و با هدان باز به کلاس جدیدشان نگاه می‌کردند، دیدم کل خستگی از تن من بیرون رفت، البته این کار اولین تجربه من در این باره بود و هنوز خرم و چم کار را به خوبی بلدنیوادم اما به هر زحمتی بود کار را جمع کردیم.

خیلی وقت‌ها موانع کلامی‌ذهنی جلوی حرکت ما را می‌گیرد، مثلاً ممکن است یک معلم با خود بگوید اصلاً من کار را شروع کردم، اولیا اقتدر گرفتارند که نمی‌توانند زمانی برای ایسن کار اختصاص

دهند، اینکه ما این شناخت را داشته باشیم که مشارکت خواه باشیم، به نظر می‌رسد یکی از پایه‌های تحول است.

هم مشارکت اولیا و هم مشارکت دانش آموزان در این باره تأثیرگذار است، وقتی چیزی حاضر و آماده در اختیار کودکان قرار می‌گیرد، شاید اثرش آن را به خوبی متوجه نشوند، در همین تجربه کاملاً واضح بود که کودکان وقتی در ساختن کلاس مشارکت کردند، درباره آن مسئولیت‌پذیرتر شدند.

کودکان خودشان در نوسازی کلاس کمک کرده و دیده بودند والدین آنها هم سهیم شده‌اند، بنابراین این سه قدر کلاس‌شان را می‌دانستند، ما معلمان خیلی وقت‌ها می‌بینیم که دانش آموزان بدون اینکه حواس‌شان باشد، روی دیوار یا میزشان خط می‌کشند و می‌پوسند، اما این را با جرئت می‌گویم در آن چندسال من یک خط‌روی دیوار و میز ندیدم، این رفتار خودمراقبتی خیلی زی‌با بود، گاهی این کودکان ذوق کلاس‌شان را داشتند و وقتی می‌آمدند چرخ می‌آمدند چرخ در کلاس‌شان می‌زدند و طوری در و دیوار را نگاه می‌کردند که یعنی نگاه کن! چه کلاس قشنگی داریم.

**شما احتمالاً اطلاعاتی از سیستم آموزشی ژاپن دارید که چطور کودکان را در محیط آموزشی سهیم می‌کنند و این حس تعلق خوانندها به آنها داده می‌شود، مثلاً در نظافت مدرسه و نظار بر آن. این نوع نگرش که دانش آموز خود را بخشی از داستان مدرسه بدانند در سیستم آموزشی ما کم است، تجربه شما در این باره چه می‌گوید؟**

دانش آموزان بزرگ می‌شوند شاید ۹۰درصد مطالب کتاب‌ها و کلاس‌ها یادباشن برود اما اگر در همین کلاس‌ها مسئولیت‌پذیری را یاد گرفته باشند، آن مسئولیت‌پذیری از خاطرشان بیرون نخواهد رفت وقتی کسی در زندگی مشترک خود موفق ظاهر می‌شود، بی‌چفت نیست، او از کودکی یاد گرفته‌است که مسئولیت خود را به درستی انجام دهد، در این هشتت، نه سال ما این موضوع را به بکر رویه تبدیل کردیم که بچه‌ها خودشان کلاس‌های‌شان را مرتب کنند، خیلی از سال‌ها دانش آموزانم از خانه‌های‌شان گل‌دان می‌اروند و کنار پنجره‌ها می‌چینند، من گاهی یادم می‌رفت به گل‌دان‌ها آب بدهم اما می‌دیدم دانش آموزی می‌گوید دو روز است که به گل‌ها آب ندادهم.

**وقتی چیزی حاضر و آماده در اختیار کودکان قرار می‌گیرد، شاید ارزش آن را به خوبی متوجه نشوند، در همین تجربه کاملاً واضح بود که کودکان وقتی در ساختن کلاس مشارکت کردند، درباره آن مسئولیت‌پذیر تر شدند. کودکان خودنشان را نوسازی کلاس کمک کرده و دیده بودند والدین آنها هم سهیم شده‌اند، بنابراین بهتر قدر کلاس‌نشان را می‌دانستند**

کلاس‌تکایی را هم شروع کنیم، چچه‌ها قبل از اینکه متعلیل شوند، باهم دست به دست دادیم و پنجره‌ها، شیشه‌ها، دیوارها و کف کلاس را گردگیری و تمیز کردیم، بعدها این فرهنگ را به مرور در کلاس‌های‌مان جا انداختیم، مثلاً به نیروی خدماتی می‌گفتم لطفاً کلاس ما را تمیز نکن، ما می‌خواهیم خودمان کلاس را تمیز کنیم، اول از همه هم خودم جارو را دستم می‌گرفتم.

**اما پدر و مادر‌های هم هستند که در این باره حساسیت دارند.**

بله، تعداد بسیار کمی از خانواده‌ها جبهه‌گیری می‌کنند اما خوشبختانه اغلب والدین در این باره هم‌راه بودند و درک می‌کردند که چقدر این کارها در راستای پرورش مسئولیت‌پذیری کودکان مفیداست، یعنی واقعا والدینی که در این باره جبهه‌گیری می‌کنند، اشتنا هستند و در نهایت هم به آنها توضیح می‌دهم و تأکید کنیم که امراری به واردن جرون کودکان نداریم، نمی‌خواهیم از کودکان سوءاستفاده کنیم، نمی‌خواهیم کاری فرات از توان جسمی و روانی‌اش به کودک تحمیل کنیم.

**یکی از گمشده‌های مدارس ما آموزش مهارت‌های زندگی است، کودکان ما به ویژه در خانواده‌های تک‌فرزندی که تعدادشان هم کم نیست، به نوعی در حاشیه مسئولیت‌پذیری قرار گرفته‌اند و از این نظر مسئولیت دادن به مدارس به عنوان یکی از مهم‌ترین درس‌های زندگی فوق العاده است، تجربه شما در این باره چه می‌گوید؟**

دانش آموزان بزرگ می‌شوند شاید ۹۰درصد مطالب کتاب‌ها و کلاس‌ها یادباشن برود اما اگر در همین کلاس‌ها مسئولیت‌پذیری را یاد گرفته باشند، آن مسئولیت‌پذیری از خاطرشان بیرون نخواهد رفت وقتی کسی در زندگی مشترک خود موفق ظاهر می‌شود، بی‌چفت نیست، او از کودکی یاد گرفته‌است که مسئولیت خود را به درستی انجام دهد، در این هشتت، نه سال ما این موضوع را به بکر رویه تبدیل کردیم

که بچه‌ها خودشان کلاس‌های‌شان را مرتب کنند، خیلی از سال‌ها دانش آموزانم از خانه‌های‌شان گل‌دان می‌اروند و کنار پنجره‌ها می‌چینند، من گاهی یادم می‌رفت به گل‌دان‌ها آب بدهم اما می‌دیدم دانش آموزی می‌گوید دو روز است که به گل‌ها آب ندادهم.

ابتدای گفت‌وگو اشاره کردید که وقتی محیط آموزشی مساعد می‌شود، این دلخواه و روان بودن محیط صرفاً برای کودکان نیست، معلم نیز در چنین فضایی بهتر درس را آموّش خواهد داد و بهتر با دانش آموز خود را تسلط خواهد گرفت، تجربه آموزشی شما در این باره چیست؟

محیط آموزشی در ارتباط معلم با دانش‌آموز تأثیرگذاری غیرقابل‌تردیدی دارد، بنابراین نظام آموزشی ما باید به این سمت حرکت کند که موانع محیطی در ارتباط مؤثر میان معلم و دانش‌آموز را برودارد یا دست‌کم بکاهد، همه ما می‌دانیم چه اوضاع سختی در جامعه به ویژه میان فرهنگیان حاکم است، با این همه منصف باشیم، کودکان چه تقصیری دارند که مدام از ما بزرگ‌ترها انرژی منفی دریافت کنند، گاهی ممکن است ما حتی ناخواسته آسیب‌هایی به روان دانش‌آموزانیم که قابل‌حیران نباشد، وقتی دانش‌آموزی حین آن درس داشت باشد که معلم برای او ارزش قائل است، اصلاً طور دیگری در کلاس حضور خواهد داشت و طور دیگری درس خواهد خواند، در هر صورت روش تدریس معلم نمی‌ا موضوع است، نتیجه دیگر نوع ارتباط برقرار کردن با آن دانش‌آموز است، به ویژه در کودکان مقطع ابتدایی.

**معلم چطور می‌تواند به توازنی در این باره برسد؟**
ارتباط دوستانه توأم با حرمت‌ها و چارچوب‌ها، من همیشه به دانش‌آموزانم می‌گویم موقع تدریس باهم هیچ بخش‌قابل توجهی از این مبلغ صرف خرید دیتا پروژکتور نشده، چون آن مدرسه حتی یک دیتا پروژکتور نداشت، از طرفی بازسازی کلاس بدون تجویز به وسایل کمک‌آموزشی واقعا‌فصلی می‌ماند.

**کاری که شما انجام می‌دهید این است که منتظر دیگران نمی‌مانید و با عشق و امید تغییرات ارزشمندی در محیط خود ایجاد می‌کنید.**

موضوع این است که با کلیه کردن تغییری ایجاد نمی‌شود، البته سیستم آموزشی‌اشکالات فراوانی دارد، ما دانش‌آموزرا با استرس فراوان وارد محیط آموزشی می‌کنیم، بدون مهارت آموزی، بدون وسایل کمک‌آموزشی، با این حال تنها انگیزه‌ای که سوخت حرکت‌های ماست، همین حال خوش کودکان است، همین که خاطره خوبی از ما و مدرسه به جا بماند و دید

کودکان به مدرسه عوض شود، همین که تجربیات منفی ما در مدرسه در نسل جدید تکرار نشود یا دست‌کم آسیب‌ها در این باره کمتر شود، کافی است، البته مسئولان باید تغییرات اساسی در سیستم آموزشی ما ایجاد کنند، آینده‌سازان این کشور باید، در شرایط خیلی بهتری باشند و سیاستگذاران بلدانه که برای آموزش و پرورش هزینه نمی‌کنند بلکه سرمایه‌گذاری بازدهی فوق‌العاده دارد را در اتفاق می‌افتد این موقع خیلی‌از مشکلات جامعه حل می‌شود، آموزش‌وپرورش عرضه‌ای است که می‌توان در آن با هزینه بسیار کم بازدهی بسیار بالای ایجاد کرد.

**ما معلمان خیلی وقت‌ها می‌بینیم دانش‌آموزان بدون اینکه حواس‌شان باشند، روی دیوار یا میزشان خط می‌کشند و می‌پوسند، اما این را با جرئت می‌گویم در آن چندسال من یک خط‌روی دیوار و میز ندیدم، این رفتار خودمراقبتی خیلی زی‌با بود، گاهی این کودکان ذوق کلاس‌شان را داشتند و وقتی می‌آمدند چرخ می‌آمدند چرخ در کلاس‌شان می‌زدند و طوری در و دیوار را نگاه می‌کردند که یعنی نگاه کن! چه کلاس قشنگی داریم**

این نوع اتفاق‌ها واقعاً در کلاس افتاده، بنابراین باید این حس را به دانش‌آموز دهی که وجود او برای تو مهم و منتقم است، وقتی دانش‌آموز حین کار دریافت کند، بازدهی تدریس تو از ۹۰درصد هم می‌رسد.

**تغییراتی که در کلاس‌ها ایجاد کرده بودید و عکس‌شان را من دریافت کردم، مربوط به چه سالی است؟**

پارسال.

**کدام مدرسه؟**

مدرسه استاد شهریار روستای کی کیان در منطقه سامن.

**چقدر برای آن زی‌بازسازی کلاس هزینه شد؟**

ما با جلب مشارکت اولیا و کمترین هزینه‌تکر را انجام دادیم، جا به جا کردیم، اما کلیه آهک و نایی و همکارانم یاد کنم که بسیار کم‌کار شدند، از اتقاق خانواده‌ها حتی رنگ کردن چوب‌هایی که در فضاسازی کلاس استفاده شد، شاید باور نکنید، ما کل آن فضاسازی‌ها را با همیوون ۰۰ هزار تومان انجام داده‌ایم، علت این‌تکه این حد مقرون‌به‌صرفه شده، به خاطر این بود که صفر تا صد کارها از نسوی ما، همکاران و والدین انجام شدند، حتی در پردیها هم این اتفاق افتاد، از اصفهان که جوب سفارش می‌دادیم، گفتیم برای مدرسه می‌خریم که این‌تکه قطع نیاید.

**معلم چطور می‌تواند به توازنی در این باره برسد؟**
ارتباط دوستانه توأم با حرمت‌ها و چارچوب‌ها، من همیشه به دانش‌آموزانم می‌گویم موقع تدریس باهم هیچ بخش‌قابل توجهی از این مبلغ صرف خرید دیتا پروژکتور نشده، چون آن مدرسه حتی یک دیتا پروژکتور نداشت، از طرفی بازسازی کلاس بدون تجویز به وسایل کمک‌آموزشی واقعا‌فصلی می‌ماند.

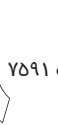
**کاری که شما انجام می‌دهید این است که منتظر دیگران نمی‌مانید و با عشق و امید تغییرات ارزشمندی در محیط خود ایجاد می‌کنید.**

موضوع این است که با کلیه کردن تغییری ایجاد نمی‌شود، البته سیستم آموزشی‌اشکالات فراوانی دارد، ما دانش‌آموزرا با استرس فراوان وارد محیط آموزشی می‌کنیم، بدون مهارت آموزی، بدون وسایل کمک‌آموزشی، با این حال تنها انگیزه‌ای که سوخت حرکت‌های ماست، همین حال خوش کودکان است، همین که خاطره خوبی از ما و مدرسه به جا بماند و دید

کودکان به مدرسه عوض شود، همین که تجربیات منفی ما در مدرسه در نسل جدید تکرار نشود یا دست‌کم آسیب‌ها در این باره کمتر شود، کافی است، البته مسئولان باید تغییرات اساسی در سیستم آموزشی ما ایجاد کنند، آینده‌سازان این کشور باید، در شرایط خیلی بهتری باشند و سیاستگذاران بلدانه که برای آموزش و پرورش هزینه نمی‌کنند بلکه سرمایه‌گذاری بازدهی فوق‌العاده دارد را در اتفاق می‌افتد این موقع خیلی‌از مشکلات جامعه حل می‌شود، آموزش‌وپرورش عرضه‌ای است که می‌توان در آن با هزینه بسیار کم بازدهی بسیار بالای ایجاد کرد.



**صالح علی یاری، معلم مبتکر سامن همدان:** با کلیه بر کن تغییری ایجاد نمی‌شود، البته سیستم آموزشی‌ما اشکالات فراوانی دارد، ما دانش‌آموز را با استرس فراوان وارد محیط آموزشی می‌کنیم، بدون مهارت آموزی، بدون وسایل کمک‌آموزشی، با این حال تنها انگیزه‌ای که سوخت حرکت‌های ماست، همین حال خوش کودکان به مدرسه عوض شود، همین که تجربیات منفی ما از مدرسه در نسل جدید تکرار نشود یا دست‌کم آسیب‌ها در این باره کمتر شود، کافی است.



روزنمه جوان ششماره ۷۶۹۱



سرویس گفت‌وگو، ۶۰۰۸۵۳۳

متأسفانه بسیاری از کلاس‌های درس در کشور به حال خود رها شده‌اند، در حالی که آنها میزبان بهترین استعدادهای آینده‌ساز کشور هستند، تصویر وضعیت اسفبار پیشین کلاس را نشان می‌دهد.